

پژوهشنامه حج و زیارت

سال اول، شماره اول

بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات: ۷۰-۴۵

## حقوق بین الملل و تعهدات و تکالیف دولت عربستان در برابر حج گزاران ایرانی

سیدمحمدعلی هاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده

حج از عبادات مهم، و از فروع دین مبین اسلام است که دارای ابعاد متعدد فردی و اجتماعی است. حج، عبادتی مناسک محور است و حج گزاران تنها در سرزمین حجاز می توانند این عبادت را انجام دهند. از این رو حکومت سعودی، نسبت به حج گزاران مسلمان، تعهدات ویژه ای دارد. این مقاله عهده دار تبیین تعهدات و تکالیف دولت عربستان، در برابر حج گزاران، از منظر حقوق بین الملل است. این مهم در سه مبحث «حقوق بین الملل؛ تعهدات و تکالیف دولت پذیرنده حجاج»، «تعهدات اعلامی مؤسس دولت سعودی نسبت به حج و حرمین، در ابتدای شکل گیری دولت» و «معاهدات مرتبط با حج و حج گزاری یا روابط ایران و عربستان» به سامان می رسد. فرایند این پژوهش، به بایسته های روش دانش حقوق بین الملل وفادار است؛ چنان که در کنار استفاده از اسناد نوشتاری، به برخی از گزارشات تاریخی نیز توجه می شود.

**کلید واژه:** حقوق بین الملل، تعهدات دولت پذیرنده، حج، حقوق حجاج، حج گزاران ایرانی.

---

۱. خارج فقه و اصول، دکترای فقه و حقوق دانشگاه قم (moh17720@gmail.com)

## مقدمه

حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup> بر مبانی، منابع و بایسته‌های روشی خاص مبتنی است (فن گلان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷؛ شاو، ۱۳۸۹، ص ۱۰؛ کک دین و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵) برآیند این گستره از حقوق‌ورزی - چه در ساحت پژوهش‌های حقوقی و چه در زمینه حقوق عرفی، در کنار شکل‌دهی و هنجارسازی برای روابط ملل و بین‌الملل - آموزه‌های خاصی است که ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های قابل‌اعتنایی را در خود دارد.

امروزه سطحی از این آموزه‌ها به قواعد الزام‌آوری تبدیل شده که دولت‌ها، خواسته یا ناخواسته، به رعایت آن در روابط خارجی خود ملزم هستند. در مواردی حتی حقوق داخلی نیز متأثر از این آموزه‌ها و ارزش‌های حقوق بین‌الملل است.

حاکمیت‌ها با دارا بودن همه صلاحیت‌های سرزمینی و حاکمیتی، ناچار به التزام به سطحی از این آموزه‌ها، نه تنها در روابط خارجی، بلکه در گستره حکمرانی سرزمینی خود هستند. بر این اساس است که امروزه و در سایه قواعد و الزامات حقوق بین‌الملل، حتی مفهوم حاکمیت و گستره صلاحیتی آن تغییر کرده است. (پلینو، ۱۳۸۴، ص ۳۵۳؛ بلدسو، ۱۳۷۵، ص ۱۱) بر این اساس بازخوانی و مطالبه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های حقوق بین‌الملل در زمینه حج و حرم، بایسته است؛ چنان‌که با توجه به تعديت صورت گرفته نسبت به حقوق حج‌گزاران ایرانی، به بررسی و بازخوانی تعهدات دولت عربستان در این زمینه پرداخته می‌شود؛ مسئله‌ای که این مقاله عهده‌دار تبیین آن است. این مهم در سه مبحث «حقوق بین‌الملل؛ تعهدات و تکالیف دولت پذیرنده حجاج»، «تعهدات اعلامی مؤسس دولت سعودی نسبت به حج و حرمین در ابتدای شکل‌گیری دولت» و «معاهدات مرتبط با حج و حج‌گزاری یا روابط ایران و عربستان» به سامان می‌رسد.

۱. International Law

## حقوق بین‌الملل: تعهدات و تکالیف دولت پذیرنده حجاج

بحث از اختیارات و تعهدات دولت پذیرنده، مسئله‌ای است با ابعاد مختلف. از طرفی به صلاحیت‌های حاکمیت و دولت‌ها، به ویژه اصل صلاحیت سرزمینی<sup>۱</sup> که قاعده‌ای پذیرفته شده و دیرپا در حقوق بین‌الملل است، مرتبط است و از طرف دیگر، به حقوق اتباع بیگانه در کشور خاص مرتبط است. امروزه حقوق اتباع بیگانه، به طور مشخص، در حقوق بین‌الملل خصوصی بررسی می‌شود؛ هر چند در حقوق بین‌الملل عمومی، در بحث از تابعان حقوق بین‌الملل، بنا بر گفتمان نوپایی که افراد را جدای از دولت‌هایشان شناسایی می‌کنند، (والاس، ۱۳۸۲، صص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ کاسسه، ۱۳۸۵، صص ۱۶۵ و ۱۶۶) نیز اشاره‌ای به حقوق اتباع بیگانه می‌شود. شناسایی حقوق ذاتی افراد، در نظام بین‌المللی حقوق بشر و اسناد حقوق بشری نیز، از جهت گفتمانی، ظرفیت‌هایی را در زمینه تعهدات و اختیارات دولت پذیرنده در بر دارد. چنانچه نظام بین‌الملل حقوق بشر دوستانه نیز، در شرایط خاصی، ظرفیت‌های مرتبط با این بحث را دارد. مباحث مطرح در گرایش حقوق دیپلماتیک و کنسولی که از گرایش‌های حقوق بین‌الملل عمومی است، نیز عهده‌دار بررسی و تبیین بخشی از این حقوق و تعهدات است. بازخوانی تعهدات و تکالیف دولت عربستان، در زمینه حج و حرم، کمک شایانی به احقاق حقوق حجاج و روشن شدن وضعیت این کشور، در این زمینه، می‌کند.

### ۱. تعهدات و تکالیف دولت پذیرنده حجاج

برخی از دانشیان حقوق بر این باورند که این قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه بین دولتهاست که سرنوشت و حقوق اتباع آنان را در کشوری دیگر مشخص می‌کند؛ چراکه حقوق بین‌الملل در مورد حقوق و شرایط بیگانگان، جز قواعد و

۱. اصل صلاحیت سرزمینی، بنیانی نظری و مبنایی برای اعمال صلاحیت دولتهاست. براساس این اصل، وقایعی که در محدوده سرزمینی یک کشور رخ می‌دهد و اشخاصی که در آن محدوده هستند، ولو به صورت موقت و عبوری، تابع قوانین محلی می‌باشند. (والاس، ۱۳۸۲، صص ۱۴۸ و ۱۴۹)

تعهدات ناشی از قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه بین دولت‌ها، منبع دیگری ندارد. بر اساس این انگاره، اگر اتباع بیگانه مزایا و امتیازی در خارج از کشور خود دارند، این مزایا صرفاً ناشی از اراده قانونگذار محل است و هر زمان که بخواهد، می‌تواند آن را تغییر دهد. (فیوضی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۸۷)

در مقابل این انگاره، دانشیان حقوق بین‌الملل تأکید می‌کنند در مورد وضعیت و حقوق اتباع بیگانه در کشور دیگر، یک حقوق عرفی متکامل وجود دارد که امروزه کشورها، به عنوان تابعی از تابعان حقوق بین‌الملل، متعهد به رعایت آن هستند. چنانچه ماده یک قرارداد بین‌المللی سال ۱۹۲۹م، در مورد حقوق بیگانگان، مقرر می‌دارد: هر دولت باید در سرزمین و قلمرو خود، برای افراد، بدون تفکیک نژاد، تابعیت، مذهب، زن و مرد بودن یا زبان، به طور کامل و برابر حق زندگی، آزادی و مالکیت قائل گردیده و این حقوق را مورد حمایت قرار دهد. بایسته است که این حق برابری حقوق، به طور حقیقی مد نظر باشد، نه ساختگی. هیچ دولتی حق گرفتن تابعیت از کسی را ندارد، مگر به موجب قانون. (ماده یک قرارداد بین‌المللی حقوق اتباع بیگانه، ۱۹۲۹م) با وجود این، بیگانگان و حقوق و تعهدات کشور پذیرنده، در برابر اتباع بیگانه، از جمله مباحث مورد بررسی در حقوق بین‌الملل است.

#### الف) انواع بیگانگان

دانشیان حقوق بین‌الملل، بیگانگان را از لحاظ نحوه ورود و نوع حقوقی که از آن برخوردارند، به شش دسته تقسیم می‌کنند: مهاجران، جهانگردان، بازرگانان، کسانی که برای انجام کار به کشوری می‌روند و بیگانگانی که بدون کار یا شغل معینی در کشوری مقیم هستند. (ارفع نیا، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۸۴ - ۱۸۶)

#### ب) حقوق اتباع بیگانه یا بیگانگان

آموزه‌های حقوق بین‌الملل عمومی، رفتار متقابل دولت‌ها و قوانین داخلی کشورها، از جمله اصول و مؤلفه‌هایی است که در شناسایی و اهتمام به حقوق اتباع

بیگانه، مؤثر است. (سهرابی، ۱۳۸۵، صص ۸۸-۹۱؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴، صص ۸۶-۹۰؛ نظیف، ۱۳۹۱، صص ۹۹-۱۰۱) برخی از این حقوق و میزان اهتمام دولت‌ها به آن، به قرار ذیل است:

### یک- حق برگرفتن پذیرش و خروج از کشور میزبان یا اصل آزادی رفت و آمد.<sup>۱</sup>

حق برگرفتن پذیرش و روادید و حق بر خروج از یک کشور یا اصل آزادی رفت و آمد، از جمله حقوق عمومی انسان‌هاست که حقوق بین‌الملل و اسناد و معاهدات بین‌المللی، از جمله اعلامیه حقوق بشر، به آن توجه داشته است. آزادی رفت و آمد، یعنی افراد در خروج از کشور خود و ورود به کشور دیگر، آزاد هستند. چنانچه حق بازگشت به کشورشان را نیز هر موقع اراده کنند، دارند. بر اساس همین حق است که می‌توانند آزادانه در داخل کشور رفت و آمد کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۲۹؛ شریعتی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷)

بند یک و دو ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر اصل آزادی رفت و آمد تأکید می‌کند و مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد که از داخل هر کشوری، آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید»، «هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد». (ماده ۱۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر) چنانچه بند دوم ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به حق خروج از هر کشوری، از جمله کشور متبوع، تأکید می‌کند و مقرر می‌دارد: «هرکس آزاد است هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند». (ماده ۱۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

البته بند سوم همین ماده، به برخی محدودیت‌های این حق اشاره می‌کند: «حقوق مذکور فوق، تابع هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد بود، مگر حدودی که به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی، سلامت، یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران، لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق، سازگاری داشته باشد». (پیشین، بند سوم)

۱. Freedom of Travel.

امروزه در زمینه آزادی رفت و آمد، به ویژه ورود اتباع بیگانه به کشور میزبان، دو انگاره کلی وجود دارد: یکی انگاره‌ای که طرفدار آزادی بی‌قید و شرط ورود بیگانگان به کشورهای مختلف است و دیگری انگاره‌ای که بر بایسته بودن اعمال محدودیت در پذیرش بیگانگان تأکید می‌کند. دانشیان حقوقی طرفدار آزادی بی‌قید و شرط ورود بیگانگان به کشورهای مختلف، بر این باورند که دولت‌ها نمی‌توانند، به دلخواه خود، از ورود و اقامت اتباع بیگانه در کشور تحت حاکمیت خود، جلوگیری کنند یا این حق را محدود نمایند. هرچند در موارد استثنایی که دولت واقعاً به خطر می‌افتد، می‌تواند با انسداد مرزها، دست به اعمال محدودیت بزند.

در مقابل، کسانی که بر بایستگی اعمال محدودیت تأکید می‌کنند، بر این باورند که دولت‌ها، در پذیرش یا عدم پذیرش اتباع بیگانه به کشور خود، آزادی مطلق داشته و در صورتی که معاهده‌ای در این زمینه در بین نباشد، در پذیرش اتباع بیگانه هیچ اجباری ندارند. (نصیری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶)

امروزه رویه بین‌المللی کشورها بدین صورت است که ورود اتباع بیگانه، اصولاً آزاد بوده، مگر در مواردی که بنا به دلایلی، محدودیت‌هایی اعمال می‌شود. (نصیری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷؛ ارفع‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۱۹۲) چنان که ماده ۳۴ کنوانسیون وین، درباره روابط کنسولی مصوب ۲۴ آوریل ۱۹۶۳، بر آزادی رفت و آمد تمام اعضای پست کنسولی تأکید کرده و مقرر می‌دارد: «دولت پذیرنده، آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای پست کنسولی را در سرزمین خود - با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود به آن، از لحاظ امنیت ملی، ممنوع بوده یا تابع مقررات خاصی است - تأمین می‌نماید». (ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در زمینه روابط کنسولی، صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵)

#### دو- حقوق عمومی و خصوصی بیگانگان

بنا بر ماده یک قطعنامه ۱۹۲۹ انیستیتو حقوق بین‌الملل که شرح آن گذشت، انسان‌ها دارای حق حیات، آزادی، برابری مطلق، مالکیت و دارا بودن تابعیت هستند.

بر این اساس، دولت‌ها باید در قلمرو حاکمیتی خود به این حقوق احترام گذاشته و پاسدار آن باشند. بنا بر آموزه‌های این مقرر، فرقی بین اتباع دولت‌ها و بیگانگان نیست. این حقوق، در اسناد بین‌المللی دیگر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> تأکید بر این حقوق، در اسناد حقوق بشری، با توجه به تعهدات و وامداری‌ای که دولت‌ها حداقل

۱. مقرره‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر حقوق ذاتی و غیر قابل انفکاک انسان‌ها، از هر نژاد، زبان و دین و آیینی تأکید می‌کند، در جای جای خود، بر این حقوق تأکید می‌کند:

ماده یک: تمام این‌ای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند؛

ماده دوم: همه انسان‌ها، بی‌هیچ تمایزی، از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، [وضعیت] دارایی، [محل] تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های مطرح در این اعلامیه‌اند...؛

ماده سوم: هر انسانی سزاوار و محق است تا همه‌جا، در برابر قانون، به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود؛

ماده هفتم: همه در برابر قانون برابرند و همگان سزاوار آند تا بدون هیچ تبعیضی، به طور برابر در پناه قانون باشند. همه انسان‌ها محق به پاسداری و حمایت در برابر هر گونه تبعیض که ناقض این اعلامیه است، هستند.

همه باید در برابر هر گونه عمل تحریک‌آمیزی که منجر به چنین تبعیضاتی شود، حفظ شوند؛

ماده هفدهم: ۱. هر انسانی به تنهایی یا با شراکت با دیگران، حق مالکیت دارد. ۲. هیچ کس را نمی‌بایست خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد؛

ماده هجدهم: هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق، شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب [دین]، و آزادی علنی [و آشکار] کردن آیین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها و چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده‌بانی آن در محیط عمومی یا خصوصی است؛

ماده نوزدهم: هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است و این حق، شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای، بدون ملاحظات مرزی است؛

ماده بیست و دوم: هر کسی به عنوان عضوی از جامعه حق دارد از امنیت اجتماعی برخوردار بوده و از راه کوشش در سطح ملی و همیاری بین‌المللی، با سازماندهی منابع هر مملکت، حقوق سلب‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را برای حفظ حیثیت و رشد آزادانه شخصیت خویش، به دست آورد؛

ماده سی‌ام: در این اعلامیه هیچ چیز نباید به گونه‌ای برداشت شود که برای هیچ حکومت، گروه یا فردی متضمن حقی، برای انجام عملی، به قصد از میان بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه باشد.

در ظاهر نسبت به این حقوق دارند، مستند محکمی در جهت پاسداشت و احقاق این حقوق است؛ چراکه پذیرش منشور ملل متحد و تصویب اسناد بین‌المللی، همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸م و دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۶۶م، چنان اثری در مناسبات جامعه بین‌المللی گذاشته است که هیچ دولتی، بایستگی رعایت حقوق بشر در گستره جهانی و تمامی نقاط جهان را به چالش نمی‌کشد.

دولت‌ها و حاکمیت‌ها، به تدریج و در اثر شکل‌گیری گفتمان حقوق بشر، این ایده را پذیرفته‌اند که تجاوز به حقوق اساسی بشر، عملی نارواست و دولت خاطی، مسئول پاسخگویی به جامعه بین‌المللی خواهد بود. برخی از دانشیان حقوق بین‌الملل، در همین راستا و در کنار تأکید بر صلاحیت‌های حاکمیتی دولت‌ها، آنان را موظف به هماهنگی بین صلاحیت‌های خود و تعهدات ناشی از رعایت اصول حقوق بشر می‌دانند. (کاسسه، ۱۳۸۵، صص ۱۹۷ - ۱۹۹)

البته میزان حمایت‌های بین‌المللی از این حقوق به یک اندازه نیست. چنانچه حمایت مطلقه‌ای که در عرف بین‌الملل و نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه، از حق حیات می‌شود، با حمایتی که از حق مالکیت می‌شود، به یک اندازه نیست. بر همین اساس است که امروزه دولت‌ها، بدون هیچ دغدغه‌ای، اهلیت بیگانگان را در تملک اموال غیر منقول نمی‌پذیرند؛ بدون اینکه در چارچوب نظام بین‌الملل مورد نقد و انتقاد واقع شوند.

### سه- حق استفاده از خدمات کنسولی و نمایندگی‌های کنسولی

بر اساس ماده پنج کنوانسیون وین، حفظ منافع اتباع خود و کمک و مساعدت به آنان، از جمله وظایف کنسول است. (ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در زمینه روابط کنسولی، صدر، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴) بر این اساس و بنا بر پذیرش معاهده کنسولی از جانب دولت میزبان اتباع، ضروری است که اتباع بیگانه به این خدمات و نمایندگی‌های کنسولی دولت متبوع خود، با آزادی کامل، دسترسی داشته باشند.



## ۲. مسئولیت‌های حقوقی دولت پذیرنده حجاج

پس از تبیین تکالیف دولت میزبان، اینک این سؤال مطرح است که اگر به هر روی در محدوده سرزمینی کشور میزبان، به یکی از این حقوق تعدی شود، حال چه در اثر تصمیمات و کنش‌های مستقیم حاکمیتی یا اتباع و کارکنان دولت میزبان، چه مسئولیت‌هایی را در این زمینه به عهده دارد. طرح تدوین شده از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، در باب قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت در سال ۲۰۰۱ میلادی، بر مسئولیت بین‌المللی دولت و زوایای آن تأکید می‌کند. در ماده یک مقرر شده است: «هر تخلف بین‌المللی یک دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد». (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، ۱۳۸۷، ص ۲۷) بنابراین طرح دولت و حاکمیت در برابر رفتار ارگان‌های دولتی یا اشخاص و نهادهایی که مجاز به اعمال اقتدار دولتی هستند، نیز مسئولیت بین‌المللی دارد.

در ماده چهار با پذیرش «اصل وحدت» دولت، تأکید می‌شود: «رفتار هر ارگان دولتی، به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت تلقی می‌شود. فارغ از اینکه آن ارگان، کارکرد تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور، در سازمان دولتی، چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه دولت مذکور، در سازمان دولتی، چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور، عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از واحد دولتی محلی». (پیشین، ماده چهار)

در ماده پنج، نه تنها ارگان دولتی، بلکه فعل ارگان‌ها و اشخاصی که دولتی نیستند، ولی به موجب قانون آن دولت مجاز به اعمال اقتدار دولتی هستند را فعل دولت محسوب می‌کند. (پیشین، ماده پنج) دیوان بین‌المللی دادگستری و برخی دیگر از نهادهای بین‌المللی، در پرونده‌های خود، به این اصول، به نحو گسترده‌ای استناد کرده‌اند؛ مسئله‌ای که نشان از پذیرش و جایگاه وثیق این اصول و مقرره‌ها دارد. (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی، ترجمه: ابراهیم گل، ۱۳۹۰، ذیل مواد) شایان توجه است که این مسئولیت،

به تصریح ماده دوم، هرگونه فعل و ترک فعلی را در بر گرفته و واژه «فعل»، در برخی مواد، شامل مسئولیت در برابر ترک فعل نیز است. (پیشین، ماده ۲)

البته بنابر بر آموزه‌های پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل، دولت، مسئول خسارات وارده به خارجی‌ان، از طرف اتباعش، نیست. با این توضیح که اعمال اشخاص خصوصی، تا زمانی که به نوعی به دولت منتسب نشود یا دولت به وظیفه خود نسبت به تنبیه و مجازات شهروندانی که به اشخاص یا اموال خارجی آسیب رسانده‌اند، عمل کند، دارای مسئولیت بین‌المللی نیست. ماده هشت کمیسیون حقوق بین‌الملل، در زمینه مسئولیت‌های بین‌المللی دولت، مقرر می‌دارد: «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، به موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت تلقی می‌شود. در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور، در انجام رفتار مزبور، در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند». (پیشین، ماده ۸)

اقتضای منطوق و مفهوم مخالف این ماده این است که در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور، در انجام رفتار یاد شده، در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل نکنند، دولت مسئولیت بین‌المللی ندارد. در همین راستا شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز تأکید می‌کند که در حقوق بین‌الملل، شرط انتساب اعمال اشخاص خصوصی به دولت، آن است که آن اشخاص، تحت کنترل دولت مزبور عمل کرده باشد. (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، ۱۳۹۰، ص ۶۷) با وجود این اصل، یادآوری این نکات ضروری است که دولت، دارای تعهد کلی نسبت به حفاظت و تأمین امنیت تمامی اتباع خارجی در محدوده سرزمینی خود است؛ چنان که موظف است شهروندان و اشخاص خصوصی خاطی را مجازات کند. (انصاری، ۱۳۸۴، صص ۱۴۲ و ۱۴۳)

بر این اساس دانشیان متأخر حقوق بین‌الملل، بر این باورند که اگرچه دولت‌ها، از نظر بین‌المللی، تنها مسئول فعل و ترک فعل ارکان خود هستند، ولی اگر ارکان دولت برای جلوگیری از وقوع اعمال زیان‌بار شخص خصوصی یا تنبیه مناسب آن،

هرچه را که در توان دارد، انجام نداده باشد، از نظر بین‌المللی، مسئول است. البته در این موارد نیز چنین نیست که دولت، مسئول اعمال شخص خصوصی باشد. بلکه سکوت یا جانبداری دولت، به عنوان نقض تعهد بین‌المللی او محسوب می‌شود و به همین جهت است که دارای مسئولیت بین‌المللی است. همچنان که جانبداری ارکان دولت، از عمل شخص خصوصی، موجب می‌شود که از نظر بین‌المللی، در آن زمینه مسئولیت یابد.

رأی کمیسیون دعوای عمومی مکزیک و ایالات متحده آمریکا در قضیه قتل جینز کلیم،<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۵م نیز، با همین منطقی بود. کمیسیون مزبور، مجرم را مسئول قتل تبعه آمریکایی می‌داند. ولی حکومت مکزیک را به خاطر عدم انجام وظیفه خود، در خصوص پیگیری مقتضی و تنبیه مناسب مجرم، مسئول می‌شناسد. (مستقیمی و دیگران، ۱۳۷۷، صص ۶۱ - ۶۵) در این قضیه، اگرچه شخص خصوصی و تبعه مکزیک، قاتل محسوب می‌شود، نه دولت مکزیک، ولی همین دولت، به دلیل قصور در پیگیری مسئله، مقصر شناخته می‌شود.

البته اگر اشخاص، در مواقع ضروری و در غیاب مقامات رسمی، یا به جای آنان، مبادرت به اعمال برخی از اقتدارات دولتی کنند، اعمالشان فعل دولت محسوب شده و دولت، بنا بر ماده ۹ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، در زمینه مسئولیت بین‌المللی دولت، دارای مسئولیت بین‌المللی است. پیشینه حقوقی این اصل، به ماده دو «مقررات مربوط به رعایت قوانین و رسوم جنگ زمینی» مصوب ۱۹۰۷ لاهه بر می‌گردد. براساس مقرره مزبور، دفاع از خود، توسط نیروهای مردمی، در غیاب نیروهای منظم، دفاعی مشروع است. در گزارش‌های دیوان داوری دعوای ایران - ایالات متحده نیز به مسئولیت دولت انقلابی، نسبت به اعمال کمیته‌های انقلاب تأکید می‌شود. (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل، ۱۳۸۷، صص ۸۹ - ۹۱)

1. Janes Klaim.

تعهدات اعلامی مؤسس دولت سعودی نسبت به حج و حرمین و حقوق حج گزاران مسئله حج و حرمین شریفین، از دیرباز، از مهم‌ترین موضوعات مورد علاقه سیاسی - مذهبی و حقوقی دولت‌های اسلامی با حاکمان حجاز بوده است. منتخب‌الدوله، سرپرست اتباع ایرانی، ضمن ارسال نامه‌ای به وزارت خارجه، در نوزدهم برج سرطان ۱۳۰۳، ضمن گزارش ملاقات خود با ملک حسین، خلیفه هاشمی، به موضوع اداره حرمین شریفین اشاره می‌کند. (محقق، ۱۳۷۹، سند شماره ۲)<sup>۱</sup>

عبدالعزیز بن السعود، در دعوتی عام از همه کشورهای اسلامی، برای شرکت در تعیین امور حکومتی حجاز دعوت کرده است. این دعوت، در جرائد و نشریات عربی آن زمان (بیست عقرب ۱۳۰۳) چاپ شده است. (پیشین، سند شماره ۶)

همو در خطاری که ضمن اعلامیه‌ای به اهالی نجد می‌دهد و اخطار به تحویل ملک علی، حاکم هاشمی حجاز و پسر حسین، عدم رضایت امت اسلامی از حکومت حسین و فرزندانش را در حجاز، بهانه تعدی به او قرار می‌دهد و مردم را نیز، در صورت عدم تحویل وی، تهدید کرده و در امان ماندن مال و جان آنان را مشروط به تحویل وی یا ترک شهر می‌داند.

او در پایان خطارش تأکید می‌کند:

اگر غیر از این، اقدامی از شما ناشی شده یا نسبت به مشار الیه، مساعدت و همراهی نمایید، ما در مقابل عالم اسلامی، از هرگونه حوادث سوئی که شما به آن دچار خواهید شد، معذور می‌باشیم؛ چه خود مسبب آن گردیده‌اید. (پیشین، سند شماره ۷)

همچنین او در اعلامیه تشکیل حکومت ادعا می‌کند که ما در پی آن بودیم که آینده حجاز و سرزمین‌های مقدس، بر اساس تصمیم کشورهای اسلامی باشد و در همین راستا، به دعوت خود در تاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ ه.ق، اشاره می‌کند:

از وقتی به این کار مبادرت نمودیم، مصمم بودیم آنچه را عالم اسلامی که اهل حجاز رکنی از آن است، راجع به آینده این بلاد مقدسه حکم نمایند، اجرا شود و

۱. بقیه منابع و اسنادی که در این فصل، با عنوان سند و با ذکر شماره ارجاع داده می‌شود، از همین منبع است.

مکرر عموم مسلمانان را دعوت نمودم که مجمع اسلامی تشکیل داده، آنچه مصلحت آینده این بلاد است، مقرر دارند. سپس به دعوت عام و خاص پرداخته، به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۴ هـ.ق. به حکومت‌ها و شعب اسلام نوشته‌جات - چنانکه در جراید عالم نیز انتشار یافت - فرستاده شد. دو ماه گذشت، جوابی از احدی نرسید، جز جمعیت خلافت در هند و او - بارک‌الله فیها - آنچه بتواند برای خوشی و آسایش حجاج اجرا نموده و می‌نماید. و چون بحمدالله قضیه در حجاز، با منصوریت خاتمه پیدا کرد و اهالی حجاز، دسته‌دسته و یک‌یک آمدند و آزادانه تشکیل مملکت را، چنانکه وعده شده بود، درخواست نمودند و چاره‌ای جز قبول خواهش‌های مکرر آنها نیافتیم. پس از آنکه عالم اسلام در این موقع مهم، تصمیم و اقدامی نمود که هر قسم می‌خواهند اداره بلاد را خود مقرر دارند، لهذا آزادی به آنان داده شد و ما قصدی جز اصلاح، به قدر امکان، نداریم؛ ﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾. (پیشین، سند شماره ۱۴)

## پژوهشنامه حج و زیارت

عبدالعزیز در تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۴۴، ضمن اعلان ابلاغیه پادشاهی، بر کوشش برای امنیت و رفاه عموم حجاج تأکید می‌کند. بر اساس این اعلامیه:

... پس لقب ما «جلالة ملك الحجاز و سلطان نجد و ملحقاتها» می‌باشد و برای امنیت و راحتی و گشایش و سعادت و خوشی ساکنین این بلاد و عموم حجاج و زائرین، نهایت کوشش داریم و عنقریب آنچه منظور عالم اسلامی است، به عمل آید و از جریان امور حجاج خشنود شوند و از خداوند می‌خواهم که مرا در انجام این امر معاونت فرمایند». (پیشین، سند شماره ۱۵)

عبدالعزیز بن عبدالرحمان آل سعود، به عنوان حاکم حجاز و نماینده فرزندان و نوادگان خودش (حاکمان بعدی) و سرپرسی کوکس، به عنوان نماینده مخصوص و تام‌الإختیار بریتانیا در خلیج فارس در ۱۸ صفر سال ۱۳۳۴ هـ.ق، مطابق ۲۶ دسامبر ۱۹۱۵م، پیمانی هفت ماده‌ای منعقد کرد که بر اساس آن، بریتانیا، کشور عربستان سعودی را به رسمیت بشناسد و همواره و در تمام جنگ‌ها از آل سعود پشتیبانی کند:

حکومت بریتانیا می‌پذیرد که نجد، احساء، قطیف، جبیل و توابع و اراضی آنها تا سواحل خلیج، از ممالک محمد بن سعود و پدراناش باشد و قبول می‌کند که حاکم و رئیس قبائل مستقل باشد و بعد از عبدالعزیز هم، نسل اندر نسل، حکومت عربستان سعودی به فرزندان او برسد. (همان طور که تا به حال این‌گونه بوده است) اما حاکم بعدی را حاکم فعلی تعیین می‌کند؛ به شرط اینکه حاکم بعدی، با حکومت بریتانیا هیچ نوع دشمنی نداشته باشد؛ مثلاً مخالف شرط‌های این پیمان‌نامه نباشد.<sup>۱</sup> سانت جون فیلیبی در کتاب «بعثة الی نجد» صفحات ۲۵۵ - ۲۵۷، این تعهدنامه را به صورت کامل آورده است. مقدمه این کتاب توسط دکتر عبدالله الصالح العثیمین، از اساتید مشهور دانشگاه‌های محمد بن سعود و ام القرای مکه، نوشته شده است. بنابراین در صحت مطالب این کتاب نمی‌توانند خدشه‌ای وارد کنند.

ابن سعود در بند پنجم این معاهده متعهد می‌شود: «ابن سعود تعهد می‌کند که راه‌هایی را که به اماکن مقدسه منتهی می‌شود، همواره باز نگه دارد و از حجاج، برای رسیدن به آن اماکن و بازگشت از آنجا، حمایت کند».<sup>۲</sup>

عبدالعزیز، در نامه دیگر، ضمن دعوت و اصرار به حجاج ایرانی برای حج‌گزاری، به تأمین رفاه و امنیت حجاج تعهد داده و بر باز بودن درهای حجاز، برای زوار و غیره، تأکید می‌کند. (پیشین، سند شماره ۱۸) او تأکید می‌کند: «به لطف و قدرت الهی، ما تأمین رفاه و راحتی حجاج را از لحظه ورود به سرزمین‌های مقدس در حجاز، تا زمان خروج از آن، تضمین می‌کنیم». (پیشین، سند شماره ۲۰)

۱. إن الحكومة البريطانية تعترف وتقر بأن نجد، الإحساء والقطيف والجبيل وتوابعها وأراضيها التي ستناقش وتحدد فيما بعد وموانئها على ساحل الخليج، من ممالك لأبن سعود وأبائه من قبله، وتعترف بأنه حاكمها المستقل ورئيس قبائلها ومن بعده أبناؤه وذريته بالوراثة. لكن إختيار الفرد للحكم سيكون طبقا لتعيين سلفه (الحاكم الموجود) له بشرط ألا يكون معاديا للحكومة البريطانية بأى شكل؛ مثل أن يكون ضد الشروط الواردة في هذه المعاهدة. (فيلبي، ۱۴۱۹، ص ۲۵۵)

۲. يتعهد ابن سعود أن يبقى الطريق الماره بأراضيه إلى الأماكن المقدسة مفتوحة وأن يحمى الحجاج في مسيرهم إلى تلك الأماكن وعودتهم منها. (پیشین، صص ۲۵۵ و ۲۵۶). رئیس حزب وطنی حجاز در ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۴۴ نیز، در نامه‌ای این معاهده را نقل کرده است. (پیشین، سند شماره ۱۲)

بنا بر گزارش فرستاده ایران، عبدالعزیز نه تنها ادعا می‌کند که تخریب آثار و اماکن اسلامی و مذهبی کار او نبوده، بلکه در زمینه تعمیر این اماکن تعهد به مساعدت می‌دهد. گزارش شده است:

دو دفعه با ابن سعود ملاقات شد، فوق‌العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرّب، به دولت علیّه می‌کرد و می‌گفت: «ما با دولت ایران هم جواریم و به قدر سی هزار نفر شیعه در نجد، و در احساء نزد من هستیم، می‌توانید از آنها تحقیق نمایید. آنچه در حق ما شهرت می‌دهند، اکثر تهمت و افتراست. انشاءالله شما به مدینه رفته، خواهید دید که آنچه گفته‌اند، دروغ است. من صریحاً به شما می‌گویم و شما هم به دولت علیه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارسم. مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است. بلی وهابی‌ها اعتقاد به تعمیر قبور و قبّه‌ها ندارند و بدعت می‌دانند و «خیر القبور الدوارس» را، حدیث معتبر می‌شناسند. مع‌هذا بعد از ورود خودم فوراً جلوگیری کرده‌ام و حالیه نیز با کمال اصرار و الحاح منتظرم که دول و ملل اسلامی، نماینده‌های خود را بفرستند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز، اگر مصمم شوند، ممانعت نمی‌کنم؛ سهل است، مساعدت خواهم کرد؛ حتی اگر خروج مرا نیز از حجاز مقرر دارند، فوراً بیرون می‌روم». (پیشین، سند شماره ۱۲)

البته با وجود این تعهدات و ادعاها، در عمل، حجاج ایرانی، امنیت چندانی نداشته و تعدیات مأموران هر روز بیشتر می‌شد. گزارش کنسولگری ایران در جده، نشان دهنده این واقعیت است:

مأمورین حکومت حجاز در مدینه منوره و در مکه مکرمه، با حجاج ایرانی بسیار سختگیری کردند و نمی‌گذاشتند که حجاج به آزادی، خودشان زیارت حضرت پیغمبر ﷺ و زیارت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در بقیع به عمل بیاورند و وعده‌هایی که حکومت داده بود، ابداً موقع اجرا نگذاشت، بلکه به خلاف پیش‌تر، خیلی سخت‌گیری می‌نماید. (پیشین، اسناد شماره ۲۳-۲۵)

## پژوهشنامه حج و زیارت

چنانچه با وجود انعقاد موافقتنامه مودت بین ایران و عربستان در سال‌های بعد، در سال ۱۳۲۲ مسئله قتل حاجی ایرانی، ابوطالب یزدی، پیش آمد. (پیشین، اسناد شماره ۴۰ - ۵۴)

### معاهدات مرتبط با حج و حج‌گزاری یا روابط ایران و عربستان

دولت‌های ایران و عربستان، به موافقتنامه‌ها و معاهدات مختلفی متعهد شده‌اند که ظرفیت بسیار بالایی در زمینه مناسبات طرفینی و حج و حج‌گزاری دارد. بازخوانی و رصد این معاهدات، زمینه‌ساز مطالبه و استیفای حقوق ایرانیان حج‌گزار در ساحات مختلف امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و انسانی است. این معاهدات، به طور مستقیم و غیر مستقیم، مقرره‌های مناسبی در زمینه مسائل مرتبط با حج در پی دارند. ۱. قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت منعقد شده بین دولتین ایران و حجاز و نجد و ملحقات.

این عهدنامه مشتمل بر پنج ماده و در تاریخ دوم شهریور ماه ۱۳۰۸، بین دو دولت ایران و حجاز و نجد و ملحقات آن، امضا، و در جلسه نوزدهم دی ماه ۱۳۰۸ شمسی، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (شاکریان و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۲۲۳ و ۲۲۴) بر اساس مقدمه این قانون، هر دو دولت بر این باورند که روابط دوستانه، موجبات پیشرفت، رفاه و آسایش دو ملت را فراهم می‌آورد. (پیشین، ص ۲۲۳) مهم‌ترین تعهدات طرفین به قرار ذیل است:

- ماده یک: بین مملکت شاهنشاهی ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن، و بین اتباع دولتین، صلح خلل‌ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی برقرار خواهد بود و طرفین معظمین متعاهدین، تمام مساعی خود را در ادامه و استحکام روابط مزبور مبذول خواهند داشت.

- ماده دو: نظر به اینکه طرفین معظمین متعاهدین مایل هستند و حق دارند که وزرای مختار و قنسول‌های خود را به ممالک یکدیگر اعزام نمایند، لهذا موافقت نمودند که با نمایندگان هر یک از طرفین متعاهدین، در مملکت طرف متعاقد دیگر، به شرط معامله متقابل، طبق قواعد و مرسوم حقوق عمومی بین‌المللی رفتار نمایند.



- ماده سوم: هر یک از طرفین معظمین متعاهدین، متعهد می‌شوند که اتباع طرف متعاهد دیگر را در مملکت خود، از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله‌الوداد از آن بهره‌مند می‌گردند، برخوردار سازند. حکومت اعلیٰ حضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن، متعهد می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی، از هر حیث، مثل سایر حاجی که به بیت‌الله‌الحرام می‌روند، معامله و رفتار نموده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی، در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها، هیچ‌گونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نمایند که وسائل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نمایند.

۲. قانون موافقتنامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی

موافقتنامه فرهنگی بین دولت ایران و دولت عربستان سعودی که مشتمل بر یک مقدمه و یازده ماده است، در تاریخ ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۶، برابر ۱۴ نوامبر ۱۹۶۷م، در تهران، به امضای نمایندگان مختار دو دولت رسیده است. (شاکریان و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۲۲۴ - ۲۲۷) این موافقتنامه، در ششم اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در جلسه روز دوشنبه، ششم خرداد ماه ۱۳۴۷ شمسی نیز به تصویب مجلس سنا رسید. بر اساس ماده یازده این موافقتنامه که نمایندگان تام‌الاختیار دو دولت، جناب آقای دکتر هادی هدایتی، وزیر آموزش و پرورش ایران، و جناب آقای شیخ حسن آل‌الشیخ، وزیر معارف عربستان، به امضاء رسانده‌اند، دارای اعتباری سه ساله است و هر یک از طرفین حق دارند شش ماه قبل از انقضای مدت مزبور، تقاضای فسخ یا اصلاح آن را بنمایند. در غیر این صورت، تا زمانی که یکی از طرفین، شش ماه قبل تمایل خود را به فسخ یا اصلاح اعلام ننمود، به قوت خود باقی خواهد ماند. برخی از تعهدات طرفین که به ارتباطات دو دولت و اتباع دو کشور، در قالب حج، مرتبط است، به قرار ذیل است:

- ماده یک: طرفین متعاهدین، کمال اهتمام را در توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور مبذول خواهند کرد و از این راه، موجبات تشیید روابط معنوی دو ملت را فراهم خواهند ساخت.

- ماده دو: طرفین متعاهدین، برای تقویت مناسبات معنوی بین دو کشور در زمینه فرهنگ، مساعی خود را به خصوص در موارد زیر به کار خواهند برد:
- فراهم کردن تسهیلات لازم برای مبادله و توزیع و فروش هر نوع کتاب و نشریه عام‌المنفعه.
- فراهم ساختن تسهیلات لازم برای استفاده از کتب خطی و عکس‌برداری و تهیه میکرو فیلم از آنها.
- ایجاد تسهیلات لازم برای تنظیم و اجرای برنامه‌های فرهنگی و علمی و ورزشی.
- تشویق به برپا کردن نمایشگاه‌های آثار علمی و ادبی و تاریخی هر یک از دو کشور.
- ایجاد تسهیلات لازم در مبادله و نمایش فیلم‌های فرهنگی و مستند و علمی.
- ایجاد تسهیلات لازم، هنگام مسافرت‌های دسته‌جمعی اساتید و دانشجویان و فرهنگیان در دو کشور.
- ماده ششم: طرفین متعاهدین، نشر اطلاعات منطبق با سوابق و حقایق تاریخی و جغرافیایی را در کلیه کتب منجمله کتب درسی و اسناد و مطبوعات خود نسبت به کشور متعاقد دیگر ملحوظ خواهند داشت، تا اتباع دو کشور، تصور ذهنی صحیح درباره کشور یکدیگر تحصیل کنند.
- ماده هفتم: طرفین متعاهدین، برای تسهیل اجرای این موافقتنامه می‌توانند مأموران فرهنگی به کشور یکدیگر اعزام دارند.
۳. قانون موافقتنامه عمومی همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، فنی، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی.<sup>۱</sup>
- این قانون مشتمل بر یک مقدمه و هشت ماده و در تاریخ ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. این معاهده برای تعمیق روابط دوستانه بین دو کشور، و به منظور تحکیم پیوندهای اسلامی، فرهنگی و تاریخی بین دو ملت و با عنایت به فواید ناشی از تقویت همکاری‌های همه‌جانبه فی‌مابین، طبق مقررات و قوانین جاری دو کشور، منعقد شده است. برخی از مقرره‌های مرتبط
۱. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show?keyword=عربستان>.

با حج و حج‌گزاری، ولو به نحو غیر مستقیم یا مقرره‌هایی که به نوعی ظرفیت استفاده در حج و حج‌گزاری را دارند، به قرار ذیل است:

الف) طرف‌های متعاقد همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری و فنی بین دو کشور و اتباع خود، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی را تشویق خواهند نمود. زمینه‌های همکاری، شامل موارد ذیل بوده، اما به آنها محدود نمی‌گردد:

یک- همکاری در کلیه فعالیت‌های اقتصادی، از جمله صنایع، معادن، نفت، پتروشیمی، کشاورزی، دام، بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات، مسکن و شهرسازی، جهانگردی و خدمات فنی و مهندسی.

دو- تشویق مبادله اطلاعات مربوط به تحقیقات علمی و فناوری.

سه- تشویق مبادله و تربیت نیروهای فنی و تبادل دانش فنی مورد نیاز برای انجام برنامه‌های مشخص شده مشترک.

چهار- همکاری بخش خصوصی در دو کشور، از جمله اتاق‌های بازرگانی.

ب) طرف‌های متعاقد، در صورت ضرورت، نسبت به تهیه طرح موافقتنامه‌های جداگانه دیگر، طبق مقررات جاری در هر دو کشور، اقدام خواهند کرد. (ماده دوم) و طرف‌های متعاقد همکاری در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان را تشویق می‌نمایند. زمینه‌های مذکور، به عنوان نمونه، شامل موارد ذیل شده، اما به آنها محدود نمی‌گردد:

یک- همکاری در زمینه‌های علمی و فناوری، از راه تبادل اطلاعات، در خصوص مسائل مورد علاقه مشترک و دیدارهای متقابل بین مسئولان، محققان، کارشناسان و فناوران و آموزش نیروی انسانی و مشارکت در همایش‌ها و فراهم‌آیی‌های علمی مورد علاقه مشترک و همچنین همکاری در برنامه‌ریزی‌های علمی و ایجاد مراکز و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی.

دو- همکاری در زمینه فرهنگی، از طریق تبادل دیدارها و برنامه‌ها بین نهادهای فرهنگی، انجمن‌ها و هیئت‌های دولتی و خصوصی و مشارکت در فراهم‌آیی‌ها،

جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی و برپایی نمایشگاه فرهنگی در دو کشور و مبادله و نمایش فیلم‌های مستند و تبلیغاتی درباره دو کشور، دو ملت، میراث و فرهنگ آنها و همچنین تشویق همکاری بین دانشگاه‌ها، نهادها و سایر آموزشگاه‌های علمی، از راه دیدارهای متقابل و مبادله تجارب و نیز تربیت نیروی انسانی، در زمینه فرهنگی و هماهنگی برای ترویج و آموزش زبان فارسی و عربی.

سه- همکاری در امور جوانان و ورزش، از راه هماهنگی مواضع در محافل اسلامی و بین‌المللی و مبادله برنامه‌ها بین نهادها، انجمن‌ها و فدراسیون‌های ورزشی و جوانان و مبادله اسناد و مواد سمعی، بصری، کتابخانه‌ای و تجارب، و همچنین دیدارهای متقابل و مبادله تجارب بین مسئولان امور جوانان و ورزش و نیز همکاری به منظور تربیت پایوران ورزشی و جوانان و انجام دعوت برای حضور در اجلاس‌ها و همایش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که در دو کشور برگزار می‌گردد. (ماده ششم)

۴. قانون موافقتنامه حمل و نقل هوایی، بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی:<sup>۱</sup>

موافقتنامه حمل و نقل بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، مشتمل بر یک مقدمه و ۲۱ ماده و یک پیوست است. توضیح آنکه بر اساس متن معاهده، دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی که عضو کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی مورخ ۱۶ آذرماه ۱۳۲۳ هجری شمسی، برابر با ۷ دسامبر ۱۹۴۴ میلادی می‌باشند؛ با تمایل به انعقاد موافقتنامه سرویس‌های هوایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی، به منظور تأسیس سرویس‌های هوایی بین و ماورای سرزمین‌های خود، متعهد به تفاهم‌نامه مذکور شده‌اند.

برخی از مقرره‌های این معاهده، ارتباطات وثیقی با حقوق حاجیان و حج‌گزاران دارد که بایسته است در مناسبات طرفینی، التزام به آن از جانب طرف سعودی رصد شود؛ برای نمونه، در ماده ششم که به موارد معافیت از عوارض و حقوق گمرکی

۱. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show?keyword=عربستان>.

اشاره می‌شود، در بند ۴ تأکید می‌شود:

مسافران، اثاثیه مسافران و باری که از سرزمین یک طرف متعاقد در ترانزیت مستقیم قرار دارند و از حریمی که در فرودگاه، بدین منظور، اختصاص یافته خارج نمی‌شوند، فقط مشمول کنترل ساده‌ای خواهند بود. اثاثیه مسافر و بار تا زمانی که در ترانزیت مستقیم است، از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و هرگونه مالیات معاف خواهد بود. ظرفیتی که این بند از ماده ششم دارد، زمینه مناسبی برای مطالبه و احقاق حق حجاج در فرودگاه‌های سعودی دارد که لازم است به آن توجه شود.

۵. قانون موافقتنامه همکاری‌های امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی.<sup>۱</sup>

موافقتنامه همکاری‌های امنیتی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، مشتمل بر یک مقدمه و دوازده ماده است. متن موافقتنامه، شامل مقدمه و دوازده ماده، در جلسه علنی روز یکشنبه، مورخ هفدهم تیرماه ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی تصویب، و در تاریخ ۲۷ تیر سال ۱۳۸۰ شمسی، به تأیید شورای نگهبان رسیده است. بر اساس این موافقتنامه، «دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی، با عنایت به روابط برادرانه اسلامی و دوستانه دو کشور و اهمیت مسائل امنیتی، با اعتقاد به لزوم برقراری همکاری‌های امنیتی متقابل و درک فوائد ناشی از آن، با آگاهی از نقش مؤثر دو کشور در تحکیم امنیت و ثبات منطقه، با در نظر داشتن مقررات و تعهدات بین‌المللی ناظر بر چنین همکاری‌هایی، بر مبنای اراده خلل‌ناپذیر خود مبنی بر احترام متقابل، حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، و با احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، قوانین و مقررات ملی و تعهدات بین‌المللی طرف‌های متعاقد، در چهارچوب صلاحیت‌های وزارتین کشور» (مقدمه موافقتنامه) به برخی از تعهدات امنیتی متعهد می‌شوند. چنانچه در ماده سوم موافقتنامه تأکید می‌شود که طرف‌های متعاقد، به منظور دستیابی به حداکثر نتایج سودمند ناشی از فعالیت‌های امنیتی خود، همکاری در زمینه‌های زیر را در

۱. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show?keyword=۹۳۵۹۴>. عربستان

دستور کار مشترک قرار می‌دهند:

الف) مقابله با تردد غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و انسان در مرزها؛

ب) همکاری در زمینه عملیات نجات در دریا از سوی واحدهای ذی‌ربط؛

ج) عدم اجازه فعالیت خصمانه به مخالفان هر یک از دو کشور در کشور دیگر و مقابله با هرگونه خطری از هر جهت دیگر، که در حوزه صلاحیت وزارت کشور باشد. همچنین در بند دو، ماده پنجم موافقتنامه، تأکید می‌شود که طرف‌های متعاقد در رابطه با آن دسته از اتباع دو کشور که به اتهام ارتکاب جرائم مندرج در این موافقتنامه، در کشور مقابل، تحت تعقیب قرار گرفته یا دستگیر، محکوم و زندانی شده‌اند یا پس از ارتکاب این جرم‌ها در کشور خود به کشور مقابل متواری شده‌اند، تبادل اطلاعات می‌نمایند.

۶. قانون موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی

عربستان سعودی در زمینه حمل و نقل دریایی.<sup>۱</sup>

این موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه و سیزده ماده است که اگرچه به طور مستقیم با موضوع حج و حج‌گزاری مربوط نمی‌شود، ولی تعهداتی که طرفین در زمینه حمل و نقل دریایی پذیرفته‌اند، صلاحیت‌های خاصی به دولت ایران در روابط خارجی با دولت عربستان می‌دهد که همین تفوق، زمینه استیفای هرچه بیشتر حقوق حجاج را فراهم می‌آورد.

متن موافقتنامه، شامل مقدمه و سیزده ماده، در جلسه علنی روز سه‌شنبه، مورخ دوم مردادماه ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ هفدهم مرداد سال ۱۳۸۶، به تأیید شورای نگهبان رسید.

### نتیجه‌گیری

۱. حقوق بین‌الملل، بر مبانی، منابع و بایسته‌های روشی خاص مبتنی است. راستای زمینه‌سازی برای شکل‌گیری گفت‌وگو، در حمایت از حقوق حج‌گزاران و اماکن مقدس مرتبط با حج، به ویژه حرمین شریفین مکی و مدنی، بازخوانی و مطالبه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های حقوق بین‌الملل در زمینه حج و حرم، بایسته است.

۱. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show?keyword=عربستان>.

۲. دولت پذیرنده حجاج، در برابر ایشان، تعهدات و صلاحیت‌هایی دارد. بحث از اختیارات و تعهدات دولت پذیرنده، مسئله‌ای چند ساحتی است. از طرفی به صلاحیت‌های حاکمیت و دولت‌ها، به ویژه اصل صلاحیت سرزمینی که قاعده‌ای پذیرفته شده و دیرپا در حقوق بین‌الملل است، مرتبط است و از طرف دیگر، به حقوق اتباع بیگانه در کشور خاص مرتبط است.

۳. آموزه‌های حقوق بین‌الملل عمومی، رفتار متقابل دولت‌ها و قوانین داخلی کشورها، از جمله اصول و مؤلفه‌هایی است که در شناسایی و اهتمام به حقوق اتباع بیگانه مؤثر است.

۴. حق بر گرفتن پذیرش و روادید و حق بر خروج از یک کشور یا اصل آزادی رفت و آمد، از جمله حقوق عمومی انسان‌هاست که حقوق بین‌الملل و اسناد و معاهدات بین‌المللی، از جمله اعلامیه حقوق بشر نیز به آن توجه داشته است؛ چنان که «حقوق عمومی و خصوصی بیگانگان» و «حق استفاده از خدمات کنسولی و نمایندگی‌های کنسولی» نیز، از جمله حقوقی است که باعث شکل‌گیری مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان می‌شود.

۵. مسئله حج و حرمین شریفین، از دیرباز، از مهم‌ترین موضوعات مورد علاقه سیاسی - مذهبی و حقوقی دولت‌های اسلامی، با حاکمان حجاز بوده است.

۶. عبدالعزیز بن السعود، مؤسس دولت عربستان در زمینه حج و حرمین شریفین، تعهدات زیادی را اعلام کرده است. او در اعلامیه تشکیل حکومت ادعا می‌کند که ما در پی آن بودیم که آینده حجاز و سرزمین‌های مقدس، بر اساس تصمیم کشورهای اسلامی، آنچه را عالم اسلامی، که اهل حجاز رکنی از آن است، راجع به آینده این بلاد مقدسه حکم نمایند، اجرا شود و مکرر عموم مسلمانان را دعوت نمودم که مجمع اسلامی تشکیل داده، آنچه مصلحت آینده این بلاد است، مقرر دارند.

۷. نظام پادشاهی عربستان سعودی، در طول سالیان، چندان به تعهدات اعلامی مؤسس خود در زمینه حج و حرم وفادار نبوده است.

۸. بازخوانی و توجه به «معاهدات مرتبط با حج و حج‌گزاری یا روابط ایران و عربستان» کمک شایانی به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان حج و حج‌گزاری می‌کند. چنانچه موجبات احقاق حقوق حجاج را فراهم می‌آورد.

## منابع

۱. ارفع‌نیا، بهشید، (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، عقیق، چاپ پنجم.
۲. بلدسو، رابرت، (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه: بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
۳. پلینو، جک، (۱۳۸۴)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق: حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ سوم.
۴. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، قومس، چاپ دوم.
۵. سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۶. سهرابی، محمد، (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
۷. شاکریان، شاهرخ، (۱۳۷۵)، فقیری، شکوه، مجموعه توافقی‌های تشریفاتی ایران و سایر کشورها، تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، چاپ اول.
۸. شاو، ملکم، (۱۳۸۹) حقوق بین‌الملل، مترجم: وقار، محمد حسین، تهران، اطلاعات، چاپ سوم.
۹. شریعتی، سعید، (۱۳۸۴) حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، تهران، کانون



اندیشه جوان، چاپ اول.

۱۰. شیخ الاسلامی، محسن، (۱۳۸۴) حقوق بین الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، چاپ اول.
۱۱. صدر، جواد، (۱۳۸۸) حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، ضمیمه ۲، کنوانسیون وین، چاپ نهم.
۱۲. طباطبایی، منوچهر، (شهریور ۱۳۷۰) آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۳. فن گلان، گرهارد، (۱۳۸۶) درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، مترجم: آقای، سید داوود، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
۱۴. فیلبی، سانت جون، (۱۴۱۹) بعثه الی النجد (۱۹۱۷-۱۹۱۸)، مترجم: عبدالله الصالح عثیمین، الملحق الثانی، ریاض، مکتبه العبیکان، چاپ اول.
۱۵. فیوضی، رضا، (۱۳۷۹) حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۱۶. قرارداد بین المللی حقوق اتباع بیگانه، ۱۹۲۹.
۱۷. کاسسه، آنتونیو، (۱۳۸۵) حقوق بین الملل، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۸. کک دین، نگوین و دیگران، (۱۳۸۲) حقوق بین الملل عمومی، مترجم: حسن حبیبی، تهران، اطلاعات، چاپ اول.
۱۹. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل، مسئولیت بین المللی دولت و حمایت سیاسی، (۱۳۸۷) ترجمه: نصرت الله حلمی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۲۰. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل، (۱۳۹۰) مسئولیت بین المللی دولت، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل، تهران، شهر دانش، چاپ سوم.
۲۱. محقق، علی، (۱۳۷۹) اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۰۴-۱۳۵۷)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

۲۲. مستقیمی، بهرام و مسعود طارم سری، (۱۳۷۷) مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.
۲۴. نصیری، محمد، (۱۳۸۳) حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، آگاه، چاپ دهم.
۲۵. نظیف، مجتبی، (۱۳۹۱) بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، دادگستر، چاپ اول.
۲۶. والاس، ربکا، (۱۳۸۷) حقوق بین‌الملل، مترجم: سید قاسم زمانی، تهران، شهر دانش، چاپ دوم.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93335?keyword=عربستان>.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93477?keyword=عربستان>.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93594?keyword=عربستان>.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97980?keyword=عربستان>.